بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله العلی الاعلی والسلام علی عباده الذین اصطفی و بعد فهذا اکسیر اکبر فی مقدمات
الکبریت الاحمر مرتب علی ثلثة فصول کلها عند الفحول مقبول **فصل اول** در تحقیق
اسم اعظم در مجمع السلوک مخدوم شیخ سعد قدس سره مرقوم است که او تعالی را هزار
اسماست بیک هزار جن و ملک تسبیح میکنند و بیکهزار و حوش و طیور و بنهصد انبیا علیهم
السلام میبودند و نه همه امم اعوام ناس و یک نام بجز خدا کسی نمیداند و همان اسم اعظم
است و مؤید این قول است آنچه در تفسیر عزیزی مسطور است که او تعالی هاروت و ماروت
را اسم اعظم آموخته تا از برکت آن از زمین آیند و باز روند و از ایشان بهره حاصل کرده
بالاخر رسیده اگر هر کس رسیده است حاجت بتعلیم و تعلم و این خصوصیت چه بود والله اعلم
از حضرت غوث الاعظم منقول است که الله اسم اعظم است بشرط آنکه بگوئی الله نباشد در دل
غیر خدا و شیخ عبد الحق دهلوی در رساله مطلب الاعلی فی شرح الاسماء الحسنی می نگارد که
بقولی اسم اعظم بسم الله الرحمن الرحیم است حضرت غوث الاعظم فرموده اند که بسم الله
از عارفان مانند حرف کن است از پروردگار انتهی امام احمد فخر الدین در حدیثی روایت

کرده که هر که در عمر خود بقصد با ر بسم الله الخ بخواند خدای تعالی او را از
آتش دوزخ آزاد کند و در مجموعهٔ خانی آورده که در عهد امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه
حربیان سلمی را در جنگ گرفتند و عقوبتها کردند تا مرتد شود در روغن گرم کرده
او را انداختند او بسم الله الرحمن الرحیم گفت و روغن سرد شد و او سلامت
ماند حق سبحانه این اسم اعظم از انبیاء پیشین دو پیغمبر را عنایت کرده یکی
از ان نوح علیه السلام را که هنگام سواری کشتی فرمود بسم الله مجریها و مرسیها
دوم حضرت سلیمان را که گفت اِنَّهٗ مِنْ سُلَیْمَانَ وَاِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ فصل دوم در فضائل درود و خواص و فوائد و برکات آن بدانکه
معنی صلوٰة اگر از جانب حق باشد رحمت است و از غیر خدا طلب رحمت تر جمهٔ معنی اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ اینست که بار خدایا تعظیم کن محمد صلی الله علیه و آله وسلم را در دنیا باعلا
ذکر او و در آخرت با بقاء شریعت و عطای درجه شفاعت مسئله باتفاق علماء
صلوٰة بر آنحضرت واجبست اما اختلاف در مقدار است نزد مالک در تمام عمر یکبار زائد
بر ان مستحب و نزد شافعیه در تشهد اخیر واجب باشد و امام اعظم است مسئله در وقت شنیدن اسم مبارک
متعین است که در یک مجلس گو نام با می تکرار یابد در هر یکبار واجبست و نزد بعض یکبار و حمیعی بر آنند که
از یکبار تا سه بار واجبست باقی سنت مسئله امام نووی گفته که افضل درودها این درود است
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَعَلٰی
اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّیَّتِهٖ كَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ وَعَلٰی

عَلٰی اٰلِ اِبْرَاهِیْمَ وَبَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدِنِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ
اَزْوَاجِهٖ وَذُرِّیَّتِهٖ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاهِیْمَ فِی الْعَالَمِیْنَ
اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ چراکه جامعست جمیع طرق احادیث صحیحه را مسئله فوائد درود بسیارست
و در ترغیب اهل السعادات عبد الحق دهلوی و تحفة الصلوٰة مولانا کاشفی و الاستیعاب مذکورست
بنده را از ان حق کو ز میکند سلامتی دین و صحت بدن اسلام از آنکه امراض امن از آفات از تهمت مرتبت
دهنده محمود رفع ده درجه در جنت قضاء حاجات مغفرت گناهان صفائی قلب یاد آمدن فراموش
شده جبر مافات از نوافل وسعت روزی ادای قرض رفتن وسواس مغفرت گناه مادر و پدر
امن از دزدان و درندگان زیادت نور بر پل صراط تحریم جسد مصلی بر نار قبول دعا وجوب
شفاعت سید الانبیا رسیدن نزد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم قبل
از دیگران در قیامت درود فرستادن خدا و ملائکه بروی نجات از هول رستخیز
خلاص از مهالک دنیا و از اعظم فوائد و اهم مقاصد مذکور شدن اسم
درود فرستنده پیش آنسرور کائنات و مسرور شدن آن خلاصهٔ موجودات
و در روض الاخضر از شیخ زین الدین علی مرویست که ما تجربه کردیم در هر کاری
که توسل بحضرت رسالت صلعم نموده درود بسیار فرستادند برودی ساخته و
پرداخته شد مگر در ان جهت که درود مقبولست بی‌شبهه و ذات او تعالی
کریمست و از سوال کسی چیزی را اجابت کردن و باقی را گذاشتن خلاف
شان کرامت است لهذا فرموده اند که اول و آخر هر دعا درود را ضم کنند

فصل سوم در مناقب محبوب سبحانی و حسب و نسب شریف بیت

فردی چراغ خانهٔ الحسنی یعنی حسنین را تو نور العینی لمؤلفه دُر یگانهٔ دریای

مجمع البحرین سراج بیت حسن عقد ز دیدهای حسین + تراب کوی تو کحل الجواهر عرفان

ابو تراب ترا جد و را تو نور العین + قدم بپای نبی گش نشتی تو از آن شد ت بگردن هر یک ولی

قدم بیمنت + بعلم باطن حق پی نبرده وهم و گمان امام و مجتهدی ز تو شرع یافته زین +

کمال حرّ آن قبول تو ز حق نیست زیارت تو فراغ دل اداء دین + و حضرت قطب الدین

بختیار کاکی فرموده سه به بسم الله کنم آغاز مدح شاه جیلانی که بر قدش درست آمد لباس

اعظم الشانی و له قبلهٔ اهل صفا حضرت غوث الثقلین + دستگیر همه جا حضرت غوث الثقلین

لقبش محی الدین نام پاکش عبد القادر بن میرابی صالح بن موسی بن عبد الله بن یحیی زاهد

بن سید محمد رومی بن داؤد بن موسی ثانی بن سید عبد الله بن موسی بن عبد الله محض بن

سید محمد المعروف بحسن مثنی بن امام حسن از حضرت غوث الاعظم تا جناب امام حسن

یازده پشت درمیان است شاید که اختیار عدد یازده در سلسلهٔ قادریه از همین جا ست

و نسب آنحضرت از جانب مادر بی بی فاطمه بنت شیخ عبد الله صومعی بن سید

ابو الجمال ولد سید ابو محمد بن سید احمد بن سید طاهر بن سید عبد الله

بن سید کمال بن سید علی بن علاء الدین محمد بن امام

جعفر صادق بن امام محمد باقر بن حضرت

امام زین العابدین بن حضرت امام حسین علیهم السلام تولد

تولد آنجناب در سال چهار صد هفتاد و یک و وفات در پانصد و شصت و
دو نهم یا یازدهم ربیع الآخر والاول اصح عند الاکثر والثانی اشهر و قیل
هفدهم شهر مذکور کذا قال الشیخ عبدالحق فی ما ثبت من السنة و کرامات آنحضرت
که بعینه معجزهٔ نبی ست بیرون از حصار است از کتاب درر المفاخر فی مناقب عبدالقادر
باید دریافت و نیز در مناقب غوثیه بسیاری ازان مرقوم است این مختصر گنجایش
ندارد لاجرم بذکر بعض سامعان را از سعادت محروم نمیگذارد روزی در محفل خود
در عین صحو و سکر ارشاد فرمودند قَدَمِی عَلٰی رَقَبَةِ کُلِّ وَلِیِّ اللّٰہِ جمله
حاضران مجلس شریف و دیار منیف سر فرو بردند و گفتند نعم نعم از خواجه قطب الدین
منقولست که من درآنوقت بحضور خواجه معین الدین چشتی در اجمیر بودم ناگاه
خواجه بزرگ سر خود را فرو کرده فرمودند که بَلْ عَلٰی حَدَقَةِ عَیْنِی پرسیدم
ای شیخ این چه حالت است بر بنو واقعه مرا مطلع گردانیدند و شاه بدیع الدین مدار
می گفتند که این کس را مرتبه ورا الورا حاصل است و اگر نبوت ختم نشده بودی بر این کس
میشد و اینمرتبه اولیاء معدوده را حاصل شده شیخ عبدالحق دهلوی
در ترجمهٔ مشکوة می نگارد که حقیر در محفل وعظ آنحضرت حاضر میشد
انگاه میفرمودند یا اِسْرَائِیْلِی اِسْمَعْ لِلْحَمْدِیّ و از شطحیات آنجناب
است اَنَا الرَّؤُفْ بلکه وجه گفتن قدمی آنکه همین ارشاد فرمودند که
در شب معراج روح مرا پروردگار بصورت بساط نورانی فرستاد

تاج خود را سوار کرده تا حجاب کبریا رساند آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مسرور
شده مراد دعا کردند که قدم من بر گردن تو و قدم تو بر گردن سائر اولیاء واللہ
اعلم بالصواب و قصۂ انحراف شیخ صنعان و ابن جوزی محدث و بعده عفو
تقصیر در کتب مطولہ مسطور است و در روض الاخضر نوشته که از اکابر معجزات
رسول کائنات که بعد آنحضرت بوقوع آمده ظهور رد و بزرگوار است یکی ابو حنیفه
کوفی رح دوم شیخ عبد القادر جیلانی رض وجہ لقب محی الدین خود از انجناب
منقول است که در حالت سیاحت روزی وارد بغداد شدم شخصی دیدم در نهایت
ضعف و نقاهت و زردی رنگ بیماری که طاقت نشست و برخاست نداشت
از من گفت دستگیری من کن مرا رحم آمده دستش گرفته استاده کردم
فوراً صحیح و سالم و توانا و سرخ و سپید گردید و گفت من دینم که بعد از زمانه
نبی نزار و علیل شده بودم او تعالی زندگی من دوبار از دست تو کرده
نامت از امروز محی الدین است و کرامت احیای موتی و
وسعت رزق وغیره بکرات و مرات
از انجناب بوقوع آمده واللہ اعلم

اَللّٰهُمَّ احْشُرْنَا فِیْ زُمْرَةِ

اَوْلِیَائِهٖ

تمت

اُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰہ
الحمد للہ المنہ کہ نسخہ سراپا برکت من تصنیفات حضرت غیاث الثقلین مسمی
بتحشیہ و تصحیح افادت مآب مولوی مقبول احمد صاحب در شہر لکھنؤ
در مطبع حسنی میر حسن رضوی خلیق طبع پوشید

[illegible]

ہمہ خواندہ باشد و در جواہر التفسیر وارد است کہ بحضرت داؤد خطاب کبریا در رسید کہ ای داؤد چون لفظ اللہم تلفظ نمائی گویا بہمہ اسما یاد کردہ باشی ۱۲ پس مناسب است کہ وقت درود مومنان باین کلمہ متکلم شوند و از اتفاقات حسنہ آنکہ درین درود دوازدہ جا لفظ اللہم واقع شدہ و

بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شروع کرتا ہون مین ساتھ نام اللہ بڑی مہربان نہایت رحم والی کی

اَللّٰھُمَّ اجْعَلْ اَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ عَدَدًا وَّ اَنْمٰی بَرَکَاتِکَ

ای خدا نازل کر تو بہترین درودون اپنی کو گنتی مین اور زیادہ کر برکتون اپنی کو

سَرْمَدًا وَّ اَزْکٰی تَحِیَّاتِکَ فَضْلًا وَّ مَدَدًا عَلٰی اَشْرَفِ الْحَقَائِقِ

ہمیشہ اور پاکیزہ تر تحفون اپنون کو از رو زیادتی کی اور پر بزرگترین اصلون

الْاِنْسَانِیَّۃِ وَ مَعْدَنِ الدَّقَائِقِ الْاِیْمَانِیَّۃِ وَ طُوْرِ التَّجَلِّیَاتِ

انسان کی اور کان باریکیون ایمان کے اور کوہ بزرگ روشنیون

الْاِحْسَانِیَّۃِ وَ مَھْبِطِ الْاَسْرَارِ الرَّحْمَانِیَّۃِ وَ وَاسِطَۃِ عِقْدِ النَّبِیِّیْنَ وَ

احسان کی اور جگہہ اوترنی بھیدون خدا کی پیوند دینی والی گرہ پیغمبرون کی

[illegible]

وَمُقَدَّمِ جَيْشِ الْمُرْسَلِيْنَ وَاَفْضَلِ الْخَلَائِقِ اَجْمَعِيْنَ

ہراول لشکر پیغمبرون کی اور بہترین مخلوقات کی تمام

حَامِلِ لِوَاءِ الْعِزِّ الْاَعْلٰى وَمَالِكِ اَزِمَّةِ الشَّرَفِ

اوٹھانیوالی جھنڈی بزرگی بڑی کی اور مالک مہارون بزرگی

الْاَسْنٰى شَاهِدِ اَسْرَارِ الْاَزَلِ وَمُشَاهِدِ اَنْوَارِ

روشنتر کی واقف بھیدون ازل کی اور دیکھنی والی نورون

السَّابِقِ الْاَوَّلِ وَتُرْجُمَانِ لِسَانِ الْقِدَمِ وَمَنْبَعِ

اگلی پہلے کی اور بیان کرنیوالی زبان ہمیشگی کی اور چشمہ

الْعِلْمِ وَالْحِلْمِ وَمَظْهَرِ سِرِّ الْجُوْدِ الْجُزْئِيِّ وَ

علم اور حکمتون کی اور جای ظہور بھید بخشش تھوڑی اور

الْكُلِّيِّ وَاِنْسَانِ عَيْنِ الْوُجُوْدِ الْعُلْوِيِّ

بہت کی اور پتلے آنکھہ ہستی بلند

وَالسُّفْلِيِّ رُوْحِ جَسَدِ الْكَوْنَيْنِ وَعَيْنِ

اور پست کی جان جسم دونون جہان کی اور اصل

حَيَاتِ الدَّارَيْنِ الْمُتَحَقِّقِ بِاَعْلٰى رُتْبَةِ

زندگی دنیا اور آخرت کی خوگیر ساتھہ برترین رتبہ

العبودیة المتحقق باسرار المقامات الاصطفائیة

بندگی کرنیکی ثابت ارستہ ساتھہ بھیدون مقامون برگزیدہ کی

سید الاشراف وجامع الاوصاف الخلیل

سردار بزرگون کی اور جمع کرنیوالی وصفون دوست

الاعظم الحبیب الاکرم المخصوص باعلی

بڑی کی دوست رکھی گئی بزرگتر خاص کیی گئی ساتھہ برتر

المراتب والمقامات المؤید باوضح

مرتبون اور مقامون کی مدد کیی گئی ساتھہ روشنترین

البراهین والدلالات المنصور بالرعب

دلیلون اور رہنمائیون سے مدد کیی گئی ساتھہ دہشت

والمعجزات الجوهر الشریف الابدی والنور

اور معجزون کی جوہر بزرگ دائمی اور نور

القدیم المحمدی سیدنا محمد المحمود فی الایجاد و

قدیم محمدی سردار ہمارے محمد پسندیدہ بیچ پیدائش اور

الوجود الفائح لکل شاهد ومشهود

ہستی کی ابتدا کرنیوالی ہر ایک دیکھنی والی اور دیکھی گئی سے کے

حضرت المشاهد والشهود نور كل شيء

درگاه امکانون روشنی اور ظاہر ہونیکی نور ہر چیز کی

وهداه وسر كل سر وسناه الذي انشقت

اور رہنما اسکے اور بھید ہر بھید کی اور روشنی اسکی وہ ذات کہ شق کیگئی

منه الاسرار وانفلقت منه انوار السر

اوس سے بھید اور روشن ہوئی اوس سی نور بھید

الباطن والنور الظاهر السيد الكامل

باطن کی اور نور ظاہر کی سردار پورے

الفاتح الخاتم الاول الاخر الباطن الظاهر

ابتدا کرنیوالی تمام کرنیوالی اول آخر پوشیدہ ظاہر کی

العاقب الحاشر الناهي الامر الناصح الناصر الصابر

پیچھے آنیوالی اوٹھانیوالی منع کرنیوالی حکم کرنیوالی پند دینی والی مدد کرنیوالی صبر کرنیوالے

الشاكر القانت الذاكر الماحي الماجد العزيز

شکر کرنیوالی دعا مانگنی والی یاد کرنیوالی مٹانیوالی بزرگ غالب پیاری

الحامد المؤمن العابد المتوكل الزاهد

حمد کرنیوالی گرویدہ عبادت کرنیوالی توکل کرنی والی زہد کرنی والی

القائم الساجد التابع الشهيد الولي الحميد

کھڑی نماز میں سجدہ کرنیوالی تابعدار گواہ دوست خدا ستودہ

البرهان الحجة المطاع المختار الخاضع

دلیل روشن اطاعت کیی گئی برگزیدہ عجز کرنیوالے

الخاشع البر المستنصر الحق المبين طٰه يٰس

نیک مدد چاہی گئی راست روشن

المزمل المدثر سيد المرسلين و امام المتقين

کمل پوشش چادر لپیٹنی والی سردار پیغمبرونکی اور پیشوا پرہیزگارونکی

وخاتم النبيين وحبيب رب العالمين

اور ختم کرنیوالی نبیون کی اور دوست پروردگار تمام دنیا کی

النبي المصطفى والرسول المجتبى الحكم

پیغمبر برگزیدہ اور بھیجے گئے برگزیدہ منصف

العدل الحكيم العليم العزيز الحليم

عادل دانا بہت دانا پیاری متحمل

الرؤوف الرحيم نورك القديم وصراطك

بڑی مہربان بخشنے والی نور قدیم تیری اور راہ تیری

الْمُسْتَقِيْمِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَصَفِيِّكَ وَ

جو سیدھی ہی محمد بندے تیرے اور بھیجے تیرے اور مقبول تیرے اور

خَلِيْلِكَ وَحَبِيْبِكَ وَوَلِيِّكَ وَنَبِيِّكَ وَاَمِيْنِكَ وَدَلِيْلِكَ

دوست تیرے اور حبیب تیرے اور ولی تیرے اور نبی تیرے اور امانت دار تیرے اور رہنما تیرے

وَنَجِيِّكَ وَنُخْبَتِكَ وَذَخِيْرَتِكَ وَخِيْرَتِكَ اِمَامِ الْخَيْرِ وَ

اور ہمراز تیرے اور برگزیدہ تیرے اور ذخیرہ تیرے اور مختار تیرے پیشوا نیکی کے اور

قَائِدِ الْخَيْرِ وَرَسُوْلِ الرَّحْمَةِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ

کھینچنے والے نیکی کے اور بھیجے ہوئے واسطے رحمت کے پیغمبر ناخواندہ رہنے والے عرب کے قبیلہ قریش سے

الْهَاشِمِيِّ الْاَبْطَحِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ التِّهَامِيِّ

اولاد میں ہاشم کی رہنے والے بطحے کے اور مدینے کے اور تہامہ کے

الشَّاهِدِ الْمَشْهُوْدِ الْوَلِيِّ الْمُقَرَّبِ الْعَبْدِ

گواہ گواہی دی گئی دوست نزدیک بندے

الْمَسْعُوْدِ الْحَبِيْبِ الشَّفِيْعِ الْحَسِيْبِ

نیک دوست سفارش کرنیوالے صاحب حسب

الرَّفِيْعِ الْمَلِيْحِ الْبَدِيْعِ الْوَاعِظِ

بلند رتبہ نمکین نادر و طرفہ نصیحت کرنیوالے

البشير النذير العطوف الحليم الجواد

مژده پہنچانیوالی ڈرانیوالی بہت مہربان متحمل بہت دینی والی

الكريم الطيب المبارك المكين

بخشش کرنیوالی خوشبو و پاک برکت دی گئی صاحب مرتبہ

الصادق المصدق الامين الداعي اليك

سچی سچا کہی گئی امانت دار بلانیوالی خلق کی طرف تیری

باذنك السراج المنير الذي ادرك الحقائق

حکم تیری سی چراغ روشن ایسی کہ جس سی جانا اصل چیزون کو

بجمتها وفاق الخلائق برمتها وجلته

تمام و کمال اور بالا ہوئی مخلوقات پر ساری اور کیا تو نے اونکو

حبيبا وناجيته قريبا وادنيته رقيبا

دوست اور سرار کیا تونی اوسی نزدیک اور نزدیکی دی تونی اونکو درحالیکہ نگہبان

وختمت به الرسالة والدلالة والبشارة

اور ختم کیا تونی اوپر پیغمبری اور رہنمائی اور خوش خبری

والنذارة والنبوة ونصرته

اور ڈرانا اور پیغمبری کو اور مدد کی تونی اونکی

باید دانست که از صفحهٔ آینده شرح در معجزات سرور کائنات است
و بیان تلمیحات پی بردن معنی آن از مشکلات لاجرم بنا بر آن حاشیه صفحهٔ مذکوره
باقی در بیان حقیقت نگاشته شد ؛ **معجزهٔ نطق گرگ** این معجزه در ابتدای البعثت
ظهور آمده که گرگی در پی آهوئی افتاد و آهو در حرم گرگ خارج حرم آمده استاد
ابوسفیان و مخرمه بن نوفل این حال را دیده متعجب شدند گرگ گفت چه تعجب دارید ازین امر
عجیب تر آنکه محمد صلی الله علیه و آله وسلم شما را دعوت میکند اجابت نمیکنید پس آنگاه گرگ
آنجناب را بمجد تبلیغ ستود آن هر دو سنگدل از غایت حسد کسی ظاهر نکردند تا اسلام نیاوردند
معجزهٔ استن حنانه در صحیح بخاری است که آنحضرت پشت مبارک در وقت خطبه و وعظ
بر ستونی میگذاشتند چون منبر ساخته شد آنحضرت بر منبر برآمدند ستون ناله آغاز کرد آنحضرت از
منبر فرود آمده او را معانقه کرده فرمودند چرا گریه میکنی گفت از هجر تو فرمودند اگر خواهی ترا دعا
کنم تا او تعالی ترا در دنیا شجر باردار کند یا در بهشت رسته گردی آن ستون آخرت برگزید اختیار
کرد ای غافل در امر طلب عقبی کم از چوب خشک مباش **معجزهٔ نطق ذراع** مروی است
که عورتی از قبیلهٔ یهود بزغالهٔ بریان کرده زهر در وی آمیخته بهدیه آورد آنحضرت بازوی آنرا
برای تناول برداشت حاضران نیز دست دراز کردند پس فرمودند دست نگه دارید این که ذراع خبر داد مرا که
زهر در وی است ؛ **معجزهٔ تکلم شتر** این معجزه در محل بسیار واقع شده از انجمله
شتری آمده سجده کرد آنحضرت سر او را بدست گرفته فرمودند که این شتر گله کرد از کثرت عمل و قلت علف
احسان کنند در حق او و یکبار شتری شکایت قوم خود کرد که پیش از نماز عشا بخواب میروند

آنحضرت صلعم ایشان را نهی فرمود تکلّم کوهها هرگاه آنحضرت صلعم بجانب
غار حرا توجه میفرمود کوهها از هر طرف عرض سلام میکردند که السّلام علیک یا رسول الله
و تسبیح سنگریزها در دست اقدس مشهور است و مذکور در صحیحین تختهای سنگ گل معجزهٔ کلام
اشجار یکی آنکه درختها هم بر وی سلام میکردند دیگر از انس بن مالک رض مرویست
که در واقعهٔ احد چون کفّار دندان مبارک شهید کردند کوفتی ببدن همایون رسید
سر را گوشهٔ ردا کشید جبرئیل بحکم رب جلیل آمده گفت که بنمایم ترا از آیات پروردگار
بخوان این درخت را پس بخواند آنحضرت درخت بمجرد امر حاضر شد و بحکم عود باز رفت
رواه الدیلمی بریده روایت کرده که معجزه طلب کرد اعرابی پس آنحضرت صلی الله علیه
و آله وسلم درختی را طلبید اعرابی گفت بفرما تا باز رود بارشاد مبارک بر جای خود رفت
اعرابی ایمان آورد ۱۲ و جوشیدن آب از اصابع فیض منابع آنحضرت بارها
بوقوع آمده از انجمله اکثری بحد تواتر رسیده انس روایت کرده که در غزوهٔ حنین مردم
برای نماز عصر آب نیافتند بحضور آنجناب شتافتند و بود نزد آنحضرت صلعم آب
بقدر یکوضو پس نهاد دست عالی در ظرف جاری شد آب از میانهٔ انگشتان
دست اقدس وضو ساختند کذا فی الصحیحین و نیز انس میفرماید که بودیم در غزوهٔ
تبوک در حضور تشنه شدند مردم ورود آب پس فرمود آیا هست چیزی از آب
صحابی مشکی آورد که در آن اندک آب بود بارشاد والا در کاسه
ریخت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم دست در آن نهاد پس سر آب

وَنَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَظَلَّلْتَهُ بِالسُّحُبِ وَرَدَدْتَ لَهُ

اور مدد کی تو نی اونکی ساتھہ دہشت کی اور سایہ دیا تو نی اونکو ابر کا اور پہیر آئی واسطی اونکی

الشَّمْسَ وَشَقَقْتَ لَهُ الْقَمَرَ وَأَنْطَقْتَ

آفتاب کو اور شق کیا تو نی اونکی لیی چاند اور گویا کیا تو نی

لَهُ الضَّبَّ وَالظَّبْيَ وَالذِّئْبَ وَالْجِذْعَ

واسطی اونکی سوسمار اور ہرن اور بہیڑیا اور شاخ درخت

وَالذِّرَاعَ وَالْجَمَلَ وَالْجَبَلَ وَالْمَدَرَ وَالشَّجَرَ

اور بازو اور اونٹ اور پہاڑ اور ڈہیلا اور درخت

وَأَنْبَعْتَ مِنْ أَصَابِعِهِ الْمَاءَ الزُّلَالَ وَأَنْزَلْتَ

اور نکالا تو نی اونگلیون اونکی سی پانی میٹھا اور نازل کیا تو نی

مِنَ الْمُزْنِ بِدَعْوَتِهِ فِي عَامِ الْمَحْلِ وَالْجَدْبِ

ابر سفید سی دعا اونکی سی بیچ سال قحط کے

وَابِلَ الْغَيْثِ وَالْمَطَرِ فَاعْشَوْشَبَ مِنْهُ الْقَفْرُ وَ

بڑی بوندون کا مینہہ برہری ہوئی اوس سی زمین سوکھی اور

الصَّخْرُ وَالْوَعْرُ وَالسَّهْلُ وَالرَّمْلُ وَالْحَجَرُ وَالسَّبِخَةُ

پتہریلی اور زمین کڑی اور زمین نرم اور ریگستان اور پتہر اور کہاری اونکو

لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الی

ایکرات مسجد کعبہ سے مسجد اقصی تک

السموات العلی الی سدرۃ المنتہی الی قاب

آسمانون بلند تک سدرۃ المنتہی تک اور مقام تک فرق

قوسین او ادنی وارئیہ الایۃ الکبری

دو گوشہ کمان کا یا کم تہا اور دکہایا تونی اونکو نشانی بڑی مراد معراج

وانلتہ الغایۃ القصوی واکرمتہ بالمخاطبۃ

اور پہنچایا تونی اونکو نہایت مرتبہ دور تر کو اور بزرگی دی تونی اونکو ساتہہ باتین کرنی

والمراقبۃ والمشافہۃ والمشاھدۃ و

اور نگہبانی کی اور روبرو ہونی کے اور حضور مین حاضر ہونے کی اور

المعائنۃ بالبصر وخصصتہ بالوسیلۃ العظمی

دیکھنی کی بینائی سے اور خاص کیا تونی اونکو ساتہہ وسیلہ نزدیکی کے

والشفاعۃ الکبری یوم الفزع الاکبر

اور سفارش بڑی کے دن خوف بڑی کے

فی المحشر وجمعت لہ جوامع الکلم

بیچ قیامت کی اور جمع کیا تونے واسطے اونکی جمع کرنیوالی باتین

وجواهر الحكم وجعلت امته خير الامم

اور جواہر حکمتوں کی اور کیا تو نے اونکی امت کو بہترین امتوں کی

وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما تأخر الذي

اور بخشا تو نے واسطے اونکی جو اگلی کبھی تھی گناہ اور پچھلی وہ کہ

بلغ الرسالة وادى الامانة ونصح الامة و

پہنچایا اونہوں نے احکام پیغمبری کی ور ادا کی امانت اور نصیحت کی امت کو اور

كشف الغمة وجلى الظلمة وجاهد في سبيل

دور کیا غم اور روشن کیا تاریکی کفر کو اور کوشش کی بیچ راہ

الله وعبد ربه حتى اتاه اليقين اللهم

خدا کی اور عبادت کی پروردگار اپنی کی تا کہ آئی اونکو یقین ای بار خدایا

ابعثه مقاما محمودا يغبطه فيه الاولون

رکھہ تو اونکو بیچ مقام نیک کی کہ رشک کریں بیچ اوسکی نبی اسگلے

والاخرون اللهم عظمه في الدنيا باعلاء ذكره و

اور پچھلے بھی ای خدا بڑائی دی تو اونکو بیچ دنیا کی ساتھ بلند کرنی ذکر اوسکی کی اور

اظهار دينه وابقاء شريعته وفي الاخرة بشفاعته

ظاہر کرنی دین اوسکی ور باقی رکھنی شریعت اوسکی اور بیچ آخرت کی ساتھ شفاعت اونکی کی

فِيْ اُمَّتِهٖ وَاَجْزِلْ اَجْرَهٗ وَمَثُوْبَتَهٗ وَاَبْدِ فَضْلَهٗ

بیچ امت اونکی کی اور بہت دے تو مزدوری اور ثواب اونکو اور ظاہر کر تو زیادتی اونکی

لِلْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ بِالْمَقَامِ الْمَحْمُوْدِ وَتَقْدِيْمِهٖ عَلٰى

سب پہلون اور پچھلون کی لیے دینی مقام اچھی سے اور مقدم کرنی اونکی سے اوپر

كَافَّةِ الْمُقَرَّبِيْنَ الشُّهُوْدِ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

تمام نزدیکیون حاضرون کی ای خدا قبول کر شفاعت

الْكُبْرٰى وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ الْعُلْيَا وَاَعْطِهٖ سُؤْلَهٗ فِي الْاٰخِرَةِ

بڑی اونکی اور مرتبہ بلند کر اونکا جو بہت بلند ہی اور دی تو اونکو مطلب اونکی بیچ آخرت

وَالْاُوْلٰى كَمَا اٰتَيْتَ اِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ

اور دنیا کی جیسا کہ دیا تو نی ابراہیم اور موسی کو ای خدا کر تو اوسکو

مِنْ اَكْرَمِ عِبَادِكَ عَلَيْكَ شَرَفًا وَمِنْ اَرْفَعِهِمْ

بڑی بزرگ بندون اپنی سے اوپر تیری ازراہ بزرگی اور بلند تر اونکی

عِنْدَكَ دَرَجَةً وَاَعْظَمِهِمْ خَطَرًا وَاَمْكَنِهِمْ عِنْدَكَ

نزدیک اپنی ازروی مرتبہ کی اور بزرگ تر اونکی سے ازروی قدر کی اور توانا تر اونکی سے نزدیک اپنی

شَفَاعَةً اَللّٰهُمَّ عَظِّمْ بُرْهَانَهٗ وَاَفْلِجْ

ازروی شفاعت کی ای خدا بزرگ کر دلیل اونکی اور ظاہر کر

وَأَبْلِغْ حُجَّتَهُ وَأَبْلِغْهُ مَأْمُولَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

اور ظاہر کر تو دلیل نبوت اوسکی اور پہنچا تو اوسکو آرزو اوسکی بیچ اہل خانہ اوسکی کی اور اولاد اوسکے

اَللّٰهُمَّ أَتْبِعْهُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ

ای خدا پیچھے بھیج تو اولاد اوسکی اور امت اوسکی سے وہ چیز کہ روشن ہو اوس سے آنکھہ اوسکی

اجْزِهِ عَنَّا خَيْرَ مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ وَاجْزِ

بدلا دی اونکو بہت اچھا اوس سے کہ دیا تو نے کسی نبی کو امت اوسکی سے اور بدلا دی تو

الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ خَيْرًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى

سب نبیوں کو اچھا ای خدا درود اور سلام بھیج اوپر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا شَاهَدَتْهُ الْأَبْصَارُ وَسَمِعَتْهُ

سردار ہمارے محمد کی شمار اوسکی کہ دیکھیں اوسکو بینائیاں اور سنیں اوسکو

الْأٰذَانُ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ صَلّٰى

کان اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی بشمار اوسکی کہ درود بھیجی

عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ

اوپر اوسکی اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی شمار اوسکی کہ نہ درود بھیجی اوپر اوسکی

وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى أَنْ يُصَلّٰى عَلَيْهِ

اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی جیسا کہ چاہتا ہی تو اور خوش ہی تو یہ کہ درود بھیجا جائی اوپر اوسکی

وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا اَمَرْتَنَا اَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَ

اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی جیسا کہ حکم کیا تو نے ہمکو یہ کہ درود بھیجیں ہم اوپر اوسکی اور

صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا يَنْبَغِي اَنْ يُصَلَّى عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی جیسا کہ سزاوار ہی یہ کہ درود بھیجا جاوی اوپر اوسکی اے خدا درود

وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ نَعْمَاءِ اللّٰهِ تَعَالٰى وَاَفْضَالِهٖ

اور سلام بھیج اوپر اوسکی اور اوپر آل اوسکی کی بیشمار نعمتوں خدا کی کہ برتر ہی اور افزائشوں

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَاَوْلَادِهٖ وَ

اے خدا درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی اور اوپر آل اوسکی اور اوپر یاروں اوسکی اور لڑکوں

اَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ وَاَهْلِ بَيْتِهٖ وَعِتْرَتِهٖ وَعَشِيْرَتِهٖ

بی بیوں اوسکی اور اولاد اونکی کی اور گہر کی لوگوں اونکی کے اور قبیلے اونکی کی

وَاَصْهَارِهٖ وَاَتْبَاعِهٖ وَاَشْيَاعِهٖ وَاَنْصَارِهٖ

اور خویشوں اونکی کی اور پیرووں اونکی کی اور گروہ اونکی کی اور یاروں اونکی کی

خَزَنَةِ اَسْرَارِهٖ وَمَعَادِنِ اَنْوَارِهٖ كُنُوْزِ

نگہبان بہیدوں اوسکے اور کان نوروں اوسکی کی گنج

الْحَقَائِقِ وَهُدَاةِ الْخَلَائِقِ وَنُجُوْمِ الْاِهْتِدَاءِ

اصلوں کی اور رہنما مخلوقات کی اور ستاری رہنمائی کی

لمن اقتدى وسلم تسليما كثيرا

واسطے اوسکی کہ پیروی کری اونکی اور سلام بھیج تو سلام بھیجنا بہت

دائما ابدا وارض عن كل الصحابة

ہمیشہ ہمیشہ اور خوش ہو تو تمام یاروں سے

رضى سرمدا عدد خلقك وزنة عرشك

خوشی ہمیشہ کی شمار خلق اپنی کی اور بقدر گرانی عرش اپنی کی

ورضى نفسك ومداد كلماتك كلما

اور خوشی ذات اپنی کے اور سیاہی کلموں اپنی کی جب کہ

ذكرك ذاكر وكلما سهى عن ذكرك

یاد کری تیری کوئی یاد کرنیوالا اور جبکہ بھولائی یاد تیری سے

غافل صلوة تكون لك رضا ولحقه اداء

کوئی غافل وہ درود کہ ہو تیری لیی خوشی اور حق اونکی کی ادا

ولنا صلاحا وآته الوسيلة والفضيلة

اور ہماری لیی بہتری اور دی تو اوسکو مقام وسیلہ کا اور بڑائی کا

والدرجة العالية الرفيعة وابعثه

اور مرتبہ بلند بلند اور بھیج تو

المقام المحمود واللواء المعقود والحوض المورود

مقام ستودہ مین اور نشان بستہ اور حوض کوثر کہ وارد ہوگی بہت لوگ اوسکے

وصل یا رب علی جمیع اخوانہ من الانبیاء

اور درود بھیج ای خدا اوپر سب بھائیون اوسکی کی کہ ہے

والمرسلین والاولیاء والصالحین والشہداء

اور پیغمبر اور اولیا اور نیک بخت ہین اور شہیدون

والصدیقین والملائکۃ المقربین وعلی سیدنا

اور صدیقون اور فرشتون نزدیک پر اور اوپر سردار ہماری

الشیخ محی الدین عبد القادر الامین صلوات

بزرگ محی الدین عبد القادر پر کہ امانت دار ہین درود بھیجو

اللہ علیہم اجمعین اللہم صل وسلم علی سیدنا

خدا کی اوپر اون سبکی ای خدا درود بھیج اور سلام اوپر سردار ہمارے

محمد السابق للخلق نورہ الرحمۃ للعالمین ظہورہ

محمد کی کہ پہلی سب خلق کی ہی نور اوسکا رحمت ہی واسطی عالم کی ظہور اوسکا

عدد ما مضی من خلقک وما بقی ومن سعد منہم

بشمار اوسکی کہ جو گذرا ہو خلق تیری سی ور جو باقی رہا اور جو کہ نیکبخت ہوا اون سی

وَمَنْ شَقِیَ صَلٰوۃً تَسْتَغْرِقُ الْعَدَّ وَتُحِیْطُ بِالْحَدِّ

اور جو بدبخت ہوا ایسا درود کہ گھیر لی گنتی کو اور احاطہ کری نہایت کو

صَلٰوۃً لَاغَایَۃَ لَہَا وَلَا انْتِہَاءَ وَلَا اَمَدَ لَہَا وَلَا

وہ درود کہ نہ حد ہو اوسکے اور نہ نہایت اور نہ اندازہ اوسکا اور نہ

انْقِضَاءَ صَلٰوتَكَ الَّتِیْ صَلَّیْتَ عَلَیْہِ صَلٰوۃً

تمامی اوسکی درود تیرا وہ درود کہ درود بھیجا تو نے اوپر اوسکی درود

مَعْرُوْضَۃً عَلَیْہِ مَقْبُوْلَۃً لَدَیْہِ صَلٰوۃً دَائِمَۃً

عرض کیا گیا اوپر اوسکی قبول کیا گیا نزدیک اوسکی درود ہمیشہ رہنی والا

بِدَوَامِكَ بَاقِیَۃً بِبَقَائِكَ لَامُنْتَہٰی لَہَا

ساتھ ہمیشگی تیری کی باقی ساتھ بقا تیری کی نہ انتہا اوسکی ہو

دُوْنَ عِلْمِكَ صَلٰوۃً تُرْضِیْكَ وَتُرْضِیْہِ وَتَرْضٰی

نزدیک علم تیری کی درود کہ خوش کری تجکو اور خوش کری اوسکو اور خوش ہو

بِہَا عَنَّا صَلٰوۃً تَمْلَاُ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ صَلٰوۃً تُحَلُّ

سبب اوسکی ہمسی ایسا درود کہ بھر دی زمین اور آسمان کو وہ درود کہ کھولی جاوی

بِہَا الْعُقَدُ وَتُفَرَّجُ بِہَا الْکُرَبُ وَیَجْرِیْ بِہَا

سبب اوسکی گرہیں مشکل اور دور کری جاوی اوس سی سختیاں اور جاری ہو سبب اوسکی

لطفك من امري وامور المسلمين وبارك لنا

مہربانی تیری میری کام میں اور کاموں میں سب مسلمانوں کی اور برکت دے تو ہمیں

على الدوام وعافنا واهدنا واجعلنا

اوپر ہمیشگی کے اور بچا تو ہمیں اور راہ بتا اور کر ہمکو

امنين ويسر امورنا مع الراحة بقلوبنا

نڈر اور آسان کر کام ہمارے ساتھ آرام کی ساتھ دلوں ہمارے کے

وابداننا والسلامة والعافية في ديننا

اور بدنوں ہماری کی اور سلامتی اور تندرستی کی بیچ دین

ودنيانا واخرتنا وتوفنا على

اور دنیا اور آخرت کے اور مار تو ہمیں اوپر

الكتاب والسنة واجمعنا

قرآن اور طریقہ پیغمبر کے اور اکٹھا کر ہمیں

معه في الجنة من غير عذاب

ساتھ حضرت کی بیچ بہشت کی بغیر عذاب کے

يسبق وانت راض عنا غير غضبان

کہ پہلے ہو در حالیکہ تو خوش ہو ہمسے نہ خفا

غضبان ولا تمکر بنا واختم لنا منک بخیر

خفا اور نہ آزما ہمیں اور خاتمہ کر ہمارا اپنی طرف سے بخیر

وعافیة ولا محنة اجمعین سبحان ربک

اور عافیت بغیر محنت کی سبکا پاکی سے یاد کرتا ہوں پروردگار

رب العزة عما یصفون وسلام علی

پروردگار بزرگی کا اوس سے جو بیان کرتے ہیں مشرک اور سلامتی اوپر

المرسلین والحمد لله رب العالمین

پیغمبروں کی اور سب تعریف ہی جو پالنے والا عالم کا ہے

ازلت یاریح الصبا یوما الی ارض الحرم

اگر پہنچی تو اے ہوا کسے دن زمین بزرگ تک کہ منزلہ مکہ ہے

بلغ سلامی روضة فیها النبی المحترم

پہنچا تو سلام میرا اوس روضہ میں جس میں نبی بزرگ ہیں

من وجهه شمس الضحی من خده بدر الدجی

مونہہ اپنی سے آفتاب چاشت رخسار سے ماہ تمام تاریکی

من ذاته نور الهدی من کفه بحر الهمم

ذات اپنی سے روشنی رہنمائی کی ہتھیلی اپنی سے دریا ہمتوں کے

بعد الحمد علی احسانہ کہ این درود مکرم معظم موسوم بکبریت احمر کہ
فی الحقیقت برائی برآمد مطالب دینی و دنیوی اسم بامسمی
است بدو وجہ یکی آنکہ فضائل مطلق درود از مقدمات کہ
قبل این درود ضم کردہ شد باید دریافت دوم کلام مقبولیست
کہ بعد از صحابۂ کبار و وجود باجود ائمۂ اطہار بہتری از و بظہور نرسیدہ
اعنی محبوب سبحانی قطب ربانی غوث الصمدانی محی الدین عبد القادر
جیلانی قدس اللہ سرہ العزیز و چیزی از مناقب آنجناب ہم در
مقدمات مذکور شد باید دید درین اوان میمنت اقران باختتام رسید
و کارپردازان مطبع حسنی میر حسن رضوی بطبع برنفع این کیمیای
سعادات و اکسیر برکات شرف و مباہی گردیدند و ذخیرہ اندوز
حیات جاوید شدند الحمد للہ علی ذلک حمدا کثیرا

قطعۂ تاریخ خاتمۂ طبع

طبع چون کبریت احمر شد ز احسان خدا | شور تاریخش مسن اکرم از خالص نمود
مصرع مقبول شد گر زوری گت گفتہ ام | معدن انوار خوش شد مطبع از طبع درود

۶۰ ۱۲۰

این اسماء حسنی معہ خواص و اعمال کہ در اوراد چشتیہ شاہ عبد الرحمن چشتی صابری مرقوم بودند بنابر نفع عوام در ینمقام ثبت گردیدہ واللہ الموفق للخیر

بسم اللہ الرحمن الرحیم

۱	۲	۳	۴
یا اللہ ای خدا	یا رحمن بہت مہربان	یا رحیم بہت بخشنے والا	یا مالک بادشاہ
۵ یا قدوس پاک برائی سے	۶ یا سلام بے عیب	۷ یا مومن ایمان دینے والا	۸ یا مہیمن نگہبان
۹ یا عزیز غالب سب پر	۱۰ یا جبار زبردست	۱۱ یا متکبر بزرگ	۱۲ یا خالق پیدا کرنے والا
۱۳ یا باری پیدا کرنے والا	۱۴ یا مصور صورت بنانے والا	۱۵ یا غفار نہایت بخشنے والا	۱۶ یا قہار غالب سب پر
۱۷ یا وہاب بہت دینے والا	۱۸ یا رزاق روزی دینے والا	۱۹ یا فتاح کھولنے والا	۲۰ یا علیم بڑا دانا
۲۱ یا قابض تنگی کرنے والا	۲۲ یا باسط روزی فراخ کرنے والا	۲۳ یا خافض پست کرنے والا	۲۴ یا رافع بلند کرنے والا

یا حمید ستودہ	یا محصی شمار کرنیوالا	یا مبدی آغاز کرنیوالا	یا معید پھر لانیوالا بعد
یا محیی زندہ کرنیوالا	یا ممیت مارنیوالا	یا حی زندہ ہمیشہ	یا قیوم قایم رکھنیوالا
یا واحد ایک حقیقت میں	یا احد بی شریک	یا صمد بی نیاز	یا قادر توانا
یا مقتدر زبردست	یا مقدم پیش کرنیوالا	یا موخر پیچھی کرنیوالا	یا اول پہلی سب سی
یا آخر باقی بعد سبکی	یا ظاہر آشکارا	یا باطن پوشیدہ	یا والی مالک سبکا
یا متعالی برتر سب سی	یا بر نیکوکار	یا تواب توبہ قبول کرنیوالا	یا منعم نعمت دینیوالا
یا منتقم عوض لینیوالا	یا عفو معاف کرنیوالا	یا رؤف بہت مہربان	یا رب پالنیوالا سبکا
یا ماجد بزرگ	یا واجد توانگر	یا مقسط داد دینیوالا	یا جامع جمع کرنیوالا

يا غنيُّ بی پروا	يا مغنيُ بی پروا کرنیوالا	يا معطيُ عطا کرنیوالا	يا مانعُ باز رکھنی والا
يا ضارُّ ضرر دینیوالا	يا نافعُ نفع دینیوالا	يا نورُ خود ظاہر ہونیوالا	يا هادي راہ نما
يا بديعُ پیدا کرنیوالا	يا باقي ہمیشہ ہی	يا وارثُ رہنی والا سبکے بعد	يا رشيدُ بہت تدبیر

يا صبورُ
جلدی نکرنیوالا

الحمد لله و المنة که نود و نه نام باریتعالی معه ترجمه و خواص در مطبع حسنی میر حسن رضوی ولد میر حسین عرف میر کامل صانهما الله عن شر الدنیا و اعطاهما الله حسن ثواب الآخره در سنه ۱۲ هجری پیرایه اختتام پوشید

قطعه تاریخ خاتمه طبع

چو کبریت احمر حسن طبع فرمود	بسی صرف کرده زر و سیم و گوهر
خوش اظهر قسم و بهنگام طبعش	چه گردید مطبوع کبریت احمر

تمام شد

بخواند بی نیاز گردد و ۱۲ جمالی
خاصیت آبی هر که مداومت
کند محتاج سوال نگردد ۱۲
جمالی خاصیت آتشی برای
موافقت با اهل خانه صبح
هر روز بخواند ۱۲ جمالی
خاصیت آتشی ۱۲ جمالی
خاصیت آتشی هر که در سفر
کشتی هر روز بسیار خواند
از غرق محفوظ ماند ۱۲ جمالی

خاصیت آبی ۱۲ جمالی
خاصیت خاکی ۱۲ جمالی
خاصیت آتشی ۱۲ جمالی
خاصیت بادی ۱۲ جمالی
خاصیت خاکی ۱۲ جمالی
خاصیت خاکی ۱۲